

تحلیل عدم تأمین سرمایه‌های معیشتی بر ناپایداری امنیتی روستاهای مرزی شهرستان مریوان

سعدی محمدی*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
زهرا حکیمی‌نیا؛ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دبیرآموزش و پرورش، مریوان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

چکیده

تأمین معیشت و کیفیت مطلوب زندگی از طریق دسترسی به دارایی‌های معیشتی؛ هسته اصلی امنیت پایدار به عنوان رهیافت نوین تأمین امنیت مناطق مرزی است. در این راستا، وضعیت پایداری امنیتی نواحی روستایی مرزی شهرستان مریوان به واسطه عدم دسترسی مناسب به دارایی‌های معیشتی مورد سنجش قرار گرفت. پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر به لحاظ ماهیت؛ کیفی و متکی بر ریشه‌یابی ساختاری، پیامدسنجی و سپس ارائه راهکارهای کاربردی متناسب می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، مشتمل بر نقش آفرینان اصلی عرصه توسعه‌ای، مدیریتی، امنیتی، متخصصان علمی، آگاهان و مدیران محلی روستاهای مرزی شهرستان مریوان می‌باشد که به صورت هدفمند و با روش گلوله برفی انتخاب و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند (مصاحبه با ۵۰ نفر). تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها با تکنیک تئوری بنیادی انجام گرفت. نتایج نشان دادند که پیامدهای ناپایداری امنیتی حاصل شده از عدم دسترسی مناسب به دارایی‌های معیشتی در ۵۱ متغیر در قالب ۶ مولفه مرتبط با مضرات امنیت سیاسی-نظامی، امنیت محیط طبیعی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، ناامنی غذایی و آسیب‌های بلندمدت امنیتی در ۳ مقوله اصلی ناپایداری امنیت انسانی (محلی- منطقه‌ای)، ناپایداری امنیت ملی و ناپایداری امنیتی بلندمدت جای گرفتند. همچنین ۶۳ ضعف در قالب مولفه‌های ضعف برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و مدیریتی توسعه‌ای؛ نامناسب بودن محیط کسب و کار منطقه؛ مدیریت امنیتی مرز؛ ضعف قوانین و حمایت‌ها؛ ضعف در زیرساخت‌های کالبدی مورد نیاز توسعه اقتصادی؛ کمبود سرمایه مردم محلی و ضعف‌های اجتماعی-فرهنگی؛ مهمترین علل و عوامل و کاستی‌هایی هستند که وضعیت نامناسب موجود دسترسی روستاییان مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی را موجب شده‌اند و در نهایت؛ راهبرد انسداد مرزها و مدیریت تهدیدمحورانه، راهبرد مدیریت توسعه‌ای تک بعدی، بهره‌گیری افراطی از محیط طبیعی و پرداختن به مشاغل کاذب و قاچاق و مهاجرت و خروج سرمایه از مرزها؛ مهمترین، راهبردهای اتخاذی از سوی مسئولین توسعه‌ای و امنیتی و روستاییان در مقابله با وضعیت نامناسب دسترسی به دارایی‌های معیشتی و ناپایداری‌های امنیتی حاصل از آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، دارایی‌های معیشتی، روستاهای مرزی، شهرستان مریوان.

* Saadi@pnu.ac.ir

(۱) مقدمه

اولین و مهمترین هدف در بیانیه توسط پایدار سازمان ملل ((پایان دادن به فقر در همه و در همه اشکال آن است)) برای رسیدن به این هدف نیز، کشورهای مختلف، تلاش‌های زیادی را انجام داده‌اند تا بتوانند با بهبود شرایط و کیفیت زندگی از وضعیت فقر خارج شوند. اما هنوز هم، تلاش‌ها و اقدامات، نافرجام بوده و طبق آمار بانک جهانی، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۵۱ میلیون نفر در فقر شدید در جهان زندگی کنند که اکثریت آنها در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه هستند. بنابراین مهمترین چالش؛ نحوه پایان دادن به فقر روستایی است (Yong-qing, 2021: 943). بررسی مسئله فقر در جوامع بشری حاکی از آن است که روستائیان از فقیرترین و آسیب‌پذیرین گروه‌های انسانی هستند و عدم توجه به وضعیت معیشتی آنان می‌تواند عدم توسعه‌یافتگی در سکونتگاه‌های انسانی را دوچندان نماید (بادکو و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۳). بر این اساس، در اجلاس جهانی ریو که پایداری به عنوان وجه غالب برنامه‌های توسعه معرفی گردید؛ فقر روستائیان هم، مطرح و رویکرد جدید، یعنی رویکرد معیشت پایدار به عنوان ابزار اصلی زدودن آثار فقر و یکی از ابعاد اصلی دستیابی به توسعه پایدار روستایی پذیرفته شد (سجاسی-قیداری و صادق‌قلو، ۱۳۹۲: ۸۶). در رویکرد معیشت پایدار روستایی، هدف اصلی اتکا بر دارایی‌ها و سرمایه‌های اصلی (انسانی، اجتماعی، مالی، طبیعی و فیزیکی) موجود در روستا به عنوان منابع اولیه و اساسی تأمین معاش روستایی است (قیداری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۷). سرمایه‌های معیشتی به طور قابل توجهی بر پایداری معیشت اثرگذار بوده (Maas and et al, 2015) و بدنه و ستوان اصلی چارچوب معیشت پایدار هستند (حاجی حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹۷). سرمایه‌ها یا دارایی‌های معیشتی، مهمترین جزء چارچوب معیشت پایدار بوده و معیشت با سرمایه‌گذاری در توانایی‌های دارایی معیشت پایدار پشتیبانی می‌شود. بر مبنای رویکرد معیشت پایدار، سرمایه‌های معیشت روستایی اساس توانمندی و قدرت دخالت روستائیان در سرنوشت فردی و اجتماعی‌شان را تشکیل می‌دهند (اعظمی و شانازی، ۱۳۹۷: ۲۷؛ به نقل از بریمانی و همکاران، ۱۳۹۵). ارنستین و همکاران (۲۰۱۰)، ضعف در دسترسی به دارایی‌های معیشتی را مهمترین عامل ایجاد فقر در نواحی روستایی قلمداد می‌کنند (Ayuttacorn, 2019: 37). با توجه به ارتباط نزدیک فقر و میزان آسیب‌پذیری، روستاها که با فقر عجین شده‌اند، دارای آسیب‌پذیری و شرایط بحرانی به لحاظ دسترسی و حفظ انواع سرمایه‌ها هستند (Mphande, 2016: 25؛ Huang et al, 2017: 2). دارایی‌های معیشتی نقش مهمی در پایداری معیشت دارند؛ زیرا اگر دارایی‌های معیشتی جامعه یا افراد در حد مطلوب نباشند، یا دسترسی به آنها با مشکلاتی مواجه باشد، احتمال آسیب‌پذیری معیشت آنها بیشتر خواهد بود و این مسائل بر توسعه و توسعه پایدار روستایی تأثیراتی منفی خواهد گذاشت (حاجی حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹۴).

اهمیت این امر (تأمین معیشت از طریق برخورداری از دارایی‌ها معیشتی)، در نواحی روستایی مرزی چند برابر است چرا که مسئله امنیت در مرزها روند توسعه و امنیت کشور را متاثر کرده به طوری که کشورهایی که مناطق مرزی آنها درگیر ناامنی است؛ دریافته‌اند که به دلایل مختلف این ناامنی‌ها گسترش یافته و به تدریج کل کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. و هرگونه ناپایداری امنیتی در مرز قادر

است با ناپایداری امنیتی در سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور اخلاص ایجاد نماید (مرادی، ۱۳۹۱: ۵۸۱۲). مدت زمانی طولانی، امنیت؛ معادل تهدید مرزهای یک کشور تلقی می‌شد اما امروزه بیشتر مردم از ناحیه کمبودها و نگرانی‌ها احساس ناامنی می‌کنند (هامانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). به دنبال گسترش پارادایم پایداری و ارتباط متقابل توسعه و امنیت، امروزه از مفهوم امنیت پایدار سخن به میان می‌آید؛ امنیت پایدار مفهوم جدیدی است که به تازگی وارد مباحث مطالعات امنیت شده است و به معنای تلقی سیستماتیک از امنیت می‌باشد که با نگرش سیستمی و کل‌نگر به مقوله امنیت حاصل می‌شود (بذرافشان و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۶۰). در این رویکرد، امنیت، به مقوله‌ای زمینه مند تابع شرایط محیط پیرامون افراد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، طبیعی و...) مبدل شده است که فرد یا جامعه را فراگرفته و به رفتار، کنش و احساسات آنها جهت می‌دهد (کاوپانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۸؛ علایی، ۱۳۹۱: ۶-۷) بنابراین، تهدیدها نیز، متکثر و نوین شده‌اند (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). در واقع، این مفهوم جدید امنیت، حاصل از تلفیق آن با وضعیت توسعه و قرارگرفتن کیفیت زندگی در هسته اصلی تامین امنیت ساکنین بود (Biswas, 2011: 5; Chandler, 2007: 362; Khagram et al, 2003: 291؛ قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵).

تاکید متخصصان امنیتی و توسعه‌ای با توجه به ارتباط متقابل توسعه و امنیت در چارچوب رویکرد امنیت پایدار؛ بر عواملی است که می‌تواند پایداری امنیت را تضمین و یا آن را به مخاطره بیندازد. شناخت و تحلیل عوامل موثر بر تامین امنیت، می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ برنامه‌های کاربردی و در نتیجه حرکت در مسیر پایداری امنیت گردد. این امر در شهرستان‌های مرزی اهمیت دو چندان دارد. مسئله مرز در ارتباط با امنیت و حفظ آن یک مسئله بسیار مهم تلقی می‌گردد. به همین دلیل برای حاکمان و دولت‌ها حفظ امنیت نواحی مرزی از موقعیت و وزن استراتژیکی فراوانی برخوردار است. بنابراین؛ امنیت مرزی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولتمردان می‌باشد؛ مخصوصاً برای کشورهایی مانند ایران که دارای تنوع مرز و تعدد همسایگان و تداخل‌های قومی- فرهنگی با کشورهای پیرامونی است و تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی همواره با تحلیل کارکردهای مرزی امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور را تهدید می‌کند (اخباری و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴). با توجه به مرکزیت داشتن کیفیت زندگی در رویکرد امنیت پایدار، وضعیت تامین و دسترسی به سرمایه‌های معیشتی به عنوان مهمترین عامل تامین معیشت و کیفیت زندگی روستاییان؛ نقش غیرقابل انکاری در ارتباط با حرکت در مسیر پایداری امنیت نواحی روستایی مرزی دارد. این در حالی است که در منطقه مرزی مورد مطالعه پژوهش حاضر، یعنی نواحی روستایی شهرستان مریوان در مجاورت با اقلیم کردستان عراق؛ نواحی روستایی مرزی آن در وضعیت بسیار نامناسبی در ارتباط با دسترسی به دارایی‌های معیشتی قرار دارند. فقر معیشتی به واسطه دسترسی ضعیف به دارایی‌های معیشتی، ویژگی غالب چهره و سیمای نواحی روستایی مرزی شهرستان مریوان می‌باشد. نمود این وضعیت را می‌توان در گزارش بیکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان دید که در آن قید شده که؛ بیشترین نرخ بیکاری را در استان، شهرستان مریوان با دارا بودن ۲۸/۶٪ از بیکاران استان دارد. شهرستان مریوان هرچند به لحاظ جمعیتی در جایگاه سوم جمعیتی استان پس از شهرستان‌های

سنندج و سقز قرار دارد و ۱۲/۲ درصد جمعیت استان را دربرگرفته اما ۲۳/۶ از بیکاران کل استان را دربردارد. تعداد بیکاران نقاط روستایی مریوان، ۳۴۴۶ نفر بوده که با این تعداد بیکار نرخ بیکاری ۱۹/۳ درصد را دارد و در مقایسه با نرخ بیکاری مناطق روستایی شهرستان‌های دیگر استان، بیشترین نرخ بیکاری را داشته و فاصله زیادی با شهرستان‌های دیگر دارد. (گزارش سیمای بیکاری استان کردستان، ۱۳۹۵، ۲۰-۳۸). شهرستانی که به واسطه پرمخاطره بودن در عرصه سیاسی و ژئوپولیتیکی، هزینه و نیروی انسانی زیادی در ارتباط با تأمین امنیت آن صرف می‌گردد. حال؛ در پژوهش حاضر با توجه به این اصل که در امنیت پایدار، به جای مقابله با تهدیدها، شناسایی و چاره‌اندیشی روندهای منتهی به ناامنی، اهمیت پیدا می‌کند و با کنترل و مهندسی این روندها از پدیدآمدن ناامنی پیشگیری می‌شود (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵)؛ مسئله اصلی که بدان پرداخته می‌شود این مطلب می‌باشد که چرا این وضعیت نامناسب دسترسی به دارایی‌های معیشتی در نواحی روستایی مرزی منطقه ایجاد شده، چگونه تداوم یافته و چه ناپایداری‌ها و مخاطره‌هایی را در عرصه امنیتی برجای گذاشته است؟ تا بدین ترتیب؛ بتوان با چاره‌جویی و ارائه راهکارهای مداخله‌ای مناسب در مسیر پایداری امنیتی با برجسته نمودن اهمیت تأمین معیشت از طریق افزایش دسترسی به دارایی‌های معیشتی نواحی روستایی منطقه حرکت نمود. بر این اساس، سوال‌های اصلی پژوهش به شرح زیر، مطرح گردیده‌اند:

- سوال اول: دسترسی نامناسب روستاییان مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی؛ چه پیامد و تاثیراتی را در ایجاد ناپایداری امنیتی شهرستان برجای گذارده است؟
- سوال دوم: مهمترین علل و عوامل بروز، رقم خوردن و تداوم این وضعیت نامناسب در ارتباط با تحقق امنیت پایدار در سطح منطقه با تأکید بر دسترسی به دارایی‌های معیشتی در نواحی روستایی مورد مطالعه کدامند؟
- سوال سوم: مهمترین راهبردهایی که روستائیان و مسئولین توسعه و امنیت روستاهای مرزی منطقه در برخورد با وضعیت نامطلوب دسترسی به سرمایه‌های معیشتی بکار گرفته‌اند، کدامند؟ آیا این راهبردها در مسیر حرکت به سمت تأمین امنیت پایدار قرار دارند؟

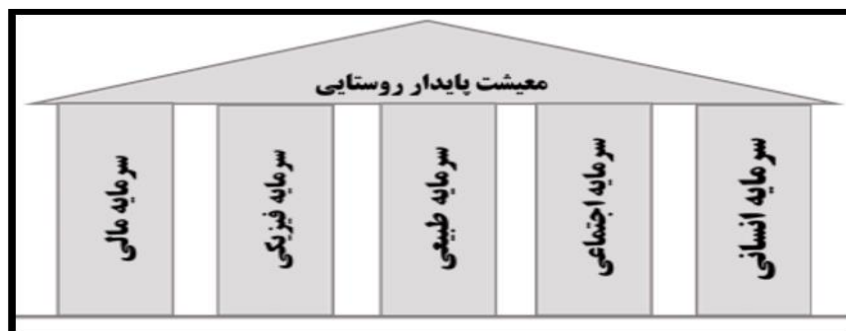
۲) مبانی نظری

دارایی‌های معیشتی

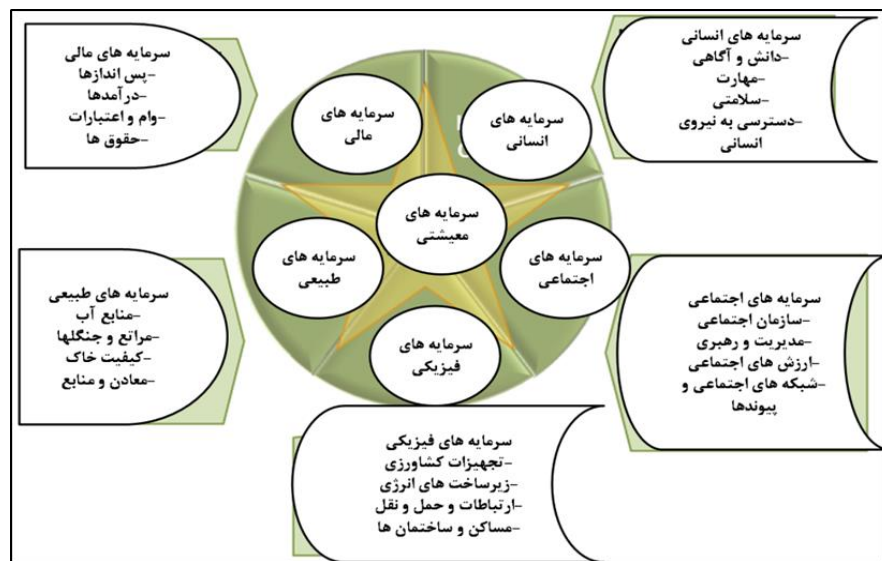
تأکید اصلی در رویکرد معیشت پایدار، چگونگی بهره‌گیری مردم به ویژه فقرا از سرمایه‌ها در راستای تأمین و ارتقای معیشت‌شان، می‌باشد (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰). بهبود معیشت ساکنان روستایی به آنها امکان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی قبلی خود را از سر بگیرند و در نتیجه بازسازی و توسعه طولانی مدت را تسهیل می‌کند. پایداری را می‌توان از طریق افزایش ظرفیت، بهبود عدالت و افزایش پایداری اجتماعی، نگاهی جامع به چگونگی امرار معاش روستاییان و تقویت رفاه اجتماعی و اقتصادی خانوارها حاصل آورد که رویکرد معیشت پایدار جهت حرکت در این مسیر، مطلوبترین رویکرد و راهکار خواهد بود. معیشت پایدار، پاسخی موثر در راستای بازیابی و افزایش

ظرفیت‌ها و ایجاد فرصت زندگی پایدار برای نسل‌های آینده در برابر شوک‌ها و فشارهای مختلفی است که بر معیشت خانوارها وارد می‌گردد. از معیشت پایدار، می‌توان به عنوان عاملی برای تلفیق سیاست‌های توسعه‌ای، مدیریت منابع پایدار و ریشه کنی فقر به طور همزمان، استفاده کرد. بنابراین، ارائه رویکرد معیشتی برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در بین فقرا در مناطق روستایی یکی از رویکردهای اساسی برای دستیابی به پایداری است (Nasrnia and Ashktorab, 2021:2).

در این میان، دسترسی به دارایی‌ها، بدنه معیشت مورد نیاز است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴۹). واژه سرمایه، به آنچه که در اختیار روستائیان است؛ اشاره دارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴۳). آنچه که در بحث دارایی‌های معیشتی، بایستی مورد تاکید قرار گیرد این مطلب می‌باشد که جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار و یکپارچه، چه دارایی‌هایی وجود دارند و چگونه از این دارایی‌ها و ظرفیت‌ها در راستای رفع فقر و محرومیت به عنوان مهمترین مانع تحقق توسعه روستایی بهره گرفت (بادکو و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴). سرمایه‌های معیشتی تعیین کننده و جهت‌دهنده ادارک، انتظاران و فعالیت‌های افراد و خانواده‌ها در نواحی روستایی هستند. این دارایی‌ها در مرکز معیشت پایدار بوده و بر راهبردهای معیشتی اثرگذار هستند. با ارتقای سطح دسترسی روستائیان به دارایی‌های معیشتی، آنها علاوه بر برطرف نمودن نیازهای خود گزینه‌ها و راهبردهای مختلفی را در جهت گذران معیشت بکارگرفته و ایجاد می‌نمایند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۹۵). دارایی‌های پنجگانه، مبتنی بر دارایی‌های مالی (پول نقد، پس‌انداز و...)، دارایی‌های انسانی (میزان مهارت، دانش و...)، دارایی‌های طبیعی (وضعیت منابع آب و خاک، چشم‌انداز طبیعی و...)، دارایی‌های فیزیکی (زیرساخت‌های رفاهی و خدماتی) و دارایی‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی، وابستگی، تعامل و...) که در تعامل با ساختارها، نهادها و سازمان‌ها حاصل می‌آیند و مدیریت می‌شوند، هسته اساسی رویکرد معیشت پایدار به شمار می‌روند (Morse and Nora, 2013:29). این پنج دارایی به همدیگر وابسته‌اند و هر یک می‌تواند سایر دارایی‌ها را کامل کند. (شکل‌های ۱ و ۲). بنابراین، به همدیگر وابسته و مکمل یکدیگر هستند (شکوری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۵؛ نادری‌مه‌دی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۳).



شکل ۱. گسترش دارایی‌های معیشتی به عنوان ستون‌های معیشت پایدار، منبع: (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۹۷)



شکل ۲. نمایش انواع دارایی‌های معیشتی، منبع: (Morse and Nora, 2013:29)

مباحث امنیت پایدار

معنای لغوی امنیت؛ رهایی از تشویش، اضطراب و ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر نسبت به تهدیدها است (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۶؛ Mesjasz, 2004:4). خاگرام و همکاران (۲۰۰۳)، با برجسته نمودن ارتباط توسعه و امنیت پایدار، تمرکز اصلی امنیت پایدار را به عنوان مفهومی بسیار جامع‌تر از امنیت نظامی بر مطلوبیت، شرایط اقتصادی، اجتماعی و طبیعی به عنوان هسته‌های اصلی توسعه پایدار، می‌دانند (Khagram and et al, 2003:291). از نظر بوزان، امنیت از چند بخش اساس تشکیل می‌گردد که یکی از بخش‌های آن امنیت اجتماعی است، دیگر بخش‌ها عبارتند از بخش نظامی، بخش زیست محیطی، بخش اقتصادی و سیاسی (آقایی و تاش، ۱۳۸۹: ۱۲؛ Richard and Basu ray, 2007:457). سابور (۲۰۰۳)، پایان جنگ سرد را به عنوان آغاز انقلابی در تعریف مفهوم امنیت و رهایی از مفهومی امنیت به معنای محدود و سنتی آن به امنیت پایدار می‌داند و فقر و گرسنی و محرومیت را وارد ادبیات تأمین امنیت می‌نماید (Brauch, 2015:2). پایداری به معنی تداوم همیشگی، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن (کیفیت) و امکانات موجود (کمیت) در طول زمان کاهش نمی‌یابد و برگرفته از کلمه *sustener* (sus) یعنی از پایین و *tenere* به معنی نگهداشتن) که بر حمایت و دوام بلندمدت تأکید دارد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۴۷). در ذات مفهوم امنیت، عنصر پایداری وجود دارد، زیرا تأمین امنیت در شکل صحیح و واقعی خود در گرو تداوم و مانایی آن در طول زمان است (باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳). امنیت پایدار، امنیتی است دیرپاست و خلل ناپذیر؛ بدین معنا که کشورها در درازمدت از مواهب امنیت بهره‌مند شوند و خلل ناپذیر است، بدین معنا که جوامع، در مقابل مخاطراتی که ثبات شان را تهدید می‌کند مقاوم سازی شده باشند (رحیمی زوز، ۱۳۹۷: ۵). مفهوم ترکیبی امنیت پایدار، بر مبنای رویکرد سیستمی، دال بر پدیده بهتر زیستن جامعه، ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل موثر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی در کنار یکدیگر و با هم توجه می‌شود. چشم‌انداز پایداری به گونه‌ای فزاینده

در حال تبدیل شدن به راهبرد امنیت جهانی است. امنیت پایدار، امنیتی مبتنی بر مشارکت مردمی، ملاحظات فرهنگی و مقتضیات بومی است، به گونه‌ای که سخت‌افزار تأمین امنیت، مردم‌اند. این گستره نوین، طیفی از نیازمندی‌ها (تقاضاها) را بازنمایی می‌کند که صرفاً با تدابیر نظامی قابل حصول نیست، بلکه باید در چارچوب خواست‌های تازه شهروندان معاصر که ابعاد منطقه‌ای، ملی و فراملی به خود گرفته است؛ بازتعریف شود. لذا؛ تفاوت عمده و اصلی امنیت و امنیت پایدار را باید در گستره حوزه‌های دخیل در امنیت پایدار دانست که به مراتب گسترده‌تر از حوزه امنیت است (پورمنافی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). امنیت در نگاه سنتی، متأثر از پنداشت سلبی (دولت محور) بوده و تنها راه‌هایی، اعمال خشونت و کاربست قوای قهریه پنداشته می‌شد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). امنیت گرایان غیرسنتی که از میان آنها می‌توان به مکتب کپنهاگ، به رهبری بری بوزان و آل ویور اشاره کرد؛ سازه امنیت پایدار را توسعه داده و فقر و تأمین معیشت را در هسته اصلی آن قرار دادند. مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها، نسبت به امنیت دانست. در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند؛ لیبرال‌ها با خوش خیالی تأمین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانستند. در واقع، چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاگ اصلاح گردیده است. بوزان بر خلاف دیدگاه رویکردهای پیشین در مورد امنیت که آن را امری عینی و واقعی تصور می‌کردند، بیان می‌دارد که "امنیت مسئله‌ای است بین ذهنی" که مبتنی بر تصمیم بازیگران خواهد بود (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶). ریچارد اولمان (۱۹۸۳)، در مقاله خود با عنوان بازتعریف امنیت؛ کیفیت زندگی و مطلوبیت معیشت را به عنوان یک عنصر مرکزی در تأمین امنیت معرفی می‌نماید (Biswas, 2011: 4-5). مکتب تورنتو (نامی به گروه‌های تحقیقاتی که توسط توماس هومردیکسون در دانشگاه تورنتو هدایت می‌شده)؛ کمبودها و در حاشیه قرار گرفتن گروه‌های انسانی را به واسطه ایجاد و القای حس ناعدالتی و طرد اجتماعی، عامل برهم زنده امنیت و ایجاد خشونت و درگیری میان گروه‌های انسانی در حاشیه قرار گرفته و دولت مرکزی بیان می‌کنند (Brown, 2005: 4). این نگاه، پارادایم جدیدی را شکل می‌دهد که در مقابل پارادایم کنترل قرار دارد. تفاوت اصلی این رویکرد و پارادایم کنترل آن است که در امنیت پایدار برای کنترل تهدیدها؛ صرفاً از زور و قوه قهریه استفاده نمی‌شود، بلکه هدفش حل مشارکتی علل تهدیدها با استفاده از مؤثرترین ابزارهای قابل دسترس یا درمان بیماری است. این هدف از طریق سیاست‌های امنیتی توسعه بخش و کاربرد استراتژی پیشگیرانه به جای استراتژی واکنشی که در سراسر جهان دنبال می‌شود، قابل دستیابی است (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵).

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان اظهار کرد که امنیت پایدار، برداشتی جایگزین با این مفهوم اصلی است که نمی‌توان همه نتایج ناامنی را کنترل و رفع کرد بلکه باید در تلاش برای کشف و رفع علت‌ها بود (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). این رویکرد با دیدی جامع به همه عرصه‌های زندگی اجتماع، رویکردی آینده نگرانه است و در سایه آینده شناسی و جامع‌نگری این رویکرد است که قوت و ضعف‌ها، تهدید و

فرصت‌ها بهتر مشخص می‌شوند و با پیشگری از بسیاری از حوادث، کشور به فرطه آینده هراسی و ترس از آینده ناامن کشیده نمی‌شود (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

ارتباط امنیت پایدار و تأمین معیشت با تأکید بر سرمایه‌های معیشتی

با ذکر این مطلب که جلوه مهم توسعه‌یافتگی؛ دستیابی به سطح مطلوبی از کیفیت و زندگی و تأمین معیشت با دسترسی مناسب به دارایی‌های معیشتی است؛ توسعه و امنیت دارای ارتباطات متقابلی با یکدیگر می‌باشند. به طوری که امنیت، بستر ساز توسعه است و توسعه نیز، بستر ساز امنیت بوده و مبنای آن را تقویت می‌کند. به طور کلی مناطق مرزی که توسعه یافته‌تر می‌باشند؛ امنیت بیشتری نیز، دارند و فرآیند شکل‌گیری امنیت پایدار در این مناطق به سرعت بهبود می‌یابد و برعکس مناطق مرزی که توسعه کمتری دارند، دارای بحران‌ها و چالش‌های فراوانی نیز، می‌باشند و فرآیند شکل‌گیری امنیت پایدار در این مناطق با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود. همچنین دولت‌ها نیز برای اداره و کنترل این مناطق مرزی و برقراری امنیت پایدار در این مناطق با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبرو هستند. اگر به این مناطق و توسعه آنها توجهی نشود و بسترهای توسعه در آنها فراهم نشود، به مرور زمان به حفره‌های امنیتی، تبدیل می‌شوند و حتی ممکن است امنیت ملی یک کشور را به خطر بیندازند. از سوی دیگر در بسیاری مواقع، توسعه نیافتگی گسترده و دوام دار، سبب بروز برخی ناآرامی‌های سیاسی نیز می‌شود که علاوه بر گسترش فضای ناامنی، مشروعیت دولت را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر چه ریشه‌های ناامنی، عموماً مسائل سیاسی دانسته می‌شود، اما نمی‌توان اثر محرومیت اقتصادی و پایین بودن شاخص‌های توسعه‌ای را نادیده گرفت. به طور کلی ناامنی در بسترهای توسعه نیافته و عقب مانده از رشد و توسعه نمود و بروز پیدا می‌کند. توسعه و امنیت به مثابه دو بال یک پرنده می‌باشند که باید به طور همزمان با یکدیگر رشد و تعالی یابند. تجربه نشان می‌دهد کشورهایی که به طور همزمان به توسعه و امنیت توجهی نکرده‌اند، امنیت شکننده‌تری نسبت به کشورهایی که به این دو مقوله به طور بنیادی و همزمان توجه کرده‌اند، دارند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴).

فقر و توسعه نیافتگی که به عنوان جلوه مهم عدم دسترسی به دارایی‌های معیشتی می‌باشد از مهمترین عوامل ناامنی در کشور است که دشواری‌های زیادی را برای مدیران کشور به وجود آورده است. اثر توسعه ضعیف و عدم دسترسی مطلوب به دارایی‌های معیشتی بر رشد ناامنی و همزمان نقش ناامنی در تضعیف توسعه کشور، پدیده‌ای است که امروزه مناطق مرزی کشور را نمونه بارز هم‌افزایی این دو عامل در تشدید ناامنی و افزایش فقر کرده به ویژه آن که رشد فقر با درصد کاهش امنیت، نسبت مستقیم پیدا کرده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۷).

عدم دسترسی به دارایی‌های معیشتی موجب ایجاد معیشتی آسیب‌پذیر و شکننده برای روستاییان مناطق مرزی گردیده و فقر معیشتی به جلوه بارز محیط اجتماعی آنها بدل می‌گردد. اهمیت این امر، یعنی افزایش تاب‌آوری معیشتی خانوارهای روستایی محروم مرزی به منظور کاهش آسیب‌پذیری معیشتی از طریق افزایش دسترسی به دارایی‌ها به دلیل وجود و تداوم بحران‌های طبیعی (خشکسالی،

آتش‌سوزی، سیل و...) و نیز، بحران‌های انسانی (تورم افسارگسیخته، همه‌گیری بیماری کرونا، بیکاری و...)، دو چندان می‌باشد. تداوم و اثرگذاری بحران‌های طبیعی و انسانی بر مطلوبیت معیشتی روستاییان مرزی موجب می‌گردد تا احساس امنیت آنها کاهش یابد. نداشتن یا ضعیف دانستن و احساس کردن امنیت، در وهله اول؛ یک احساس تلقی می‌شود اما در مرحله حادثه به صورت واقعیت یا پدیده‌ای اجتماعی بروز می‌کند که در این مرحله به معضل و آسیب اجتماعی تبدیل می‌شود و می‌تواند اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی را به عنوان تامین کننده امنیت تضعیف نماید و با زیر سوال رفتن اقتدار و کاهش مشروعیت نظام سیاسی، آن را با بحران‌های متعدد دیگری روبرو سازد (میر و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸۷). بنابراین، دسترسی به سطح مطلوب دارایی‌های معیشتی به عنوان هسته اصلی تامین معیشت و کیفیت زندگی مطلوب، مهمترین شکل‌دهنده و تامین کننده امنیت پایدار در مناطق مرزی می‌باشد؛ چرا که با افزایش سطح تاب‌آوری معیشتی، میزان آسیب‌پذیری و توسعه فقر و تداوم تله فقر را کاهش می‌دهد. احساس طردشدگی و محرومیت و بی‌عدالتی اجتماعی و فردی را از بین می‌برد، تخریب محیط طبیعی و تعرض و غارت منابع طبیعی را جهت تامین معیشت کاهش می‌دهد، همگرایی و پیوند اجتماعی و احساس تعلق به محیط مرزی و ماندگاری جوانان و روستائیان را فراهم می‌آورد، توسعه ظرفیتی و توانمندسازی روستائیان را موجب می‌شود، محیط اجتماعی را حمایت کننده توسعه خوداشتغالی و کارآفرینی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه می‌نماید، مشارکت و مشروعیت سیاسی را افزایش داده و در یک کلام؛ تامین امنیت را از جنبه نظامی به جنبه پایداری و خطر مرزی را از منطقه تولیدکننده تهدید به یک منطقه فرصت محور و توانمند مبدل می‌سازد که همه اینها در مفهوم حرکت در مسیر تامین امنیت پایدار خلاصه می‌گردد.

بررسی مطالعات پیشین در حوزه قلمروهای اصلی موضوعی پژوهش، نشان می‌دهد که در پژوهش‌های پیشین، ارتباط متقابل تامین معیشت در قالب توسعه اقتصادی و دید فرصت محورانه به مناطق مرزی و تامین امنیت پایدار آنها، مورد تاکید و تایید قرار گرفته است. در این پژوهش‌ها بر رفع نابرابری‌ها در راستای دستیابی به منافع توسعه‌ای و ارتقای کیفیت زندگی مرزنشینان تاکید شده و امنیت نیز در قالب وجه وصفی پایداری به عنوان سازه‌ای چندبعدی؛ نگریسته شده که وجه نظامی آن بخشی از این سازه می‌باشد. در این میان، آسیب‌شناسی و پیامدسنجی، عدم دسترسی به وضعیت مناسب کیفیت زندگی بر پایه دسترسی نامناسب به دارایی‌های معیشتی؛ اصلی است که فقدان موضوعی و تئوریکی آن در پژوهش‌های پیشین به چشم می‌خورد؛ بگونه‌ای که دیدگاه ساختاری و ریشه‌یابی و حل معضلات شکل دهنده ناپایداری که هسته اصلی رویکرد معیشت پایدار در مطالعات امنیتی محسوب می‌شود، نادیده گرفته شده؛ اصلی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین

محقق(ان) و سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
پیری و فیروزی (۱۳۹۹)	تأثیر مرز بر امنیت پایدار مناطق مرزی با تأکید بر رویکرد توسعه اقتصادی(مورد: شهر آبادان)	توسعه اقتصادی و امنیت معیشتی، مهمترین کارکردهای مرز در راستای تأمین امنیت پایدار در منطقه مورد مطالعه بودند. رابطه بسیار قوی میان دید فرصت محورانه به مرز در راستای تأمین معیشت مرزنشینان و تأمین امنیت وجود دارد.
خلیجی و صادقی (۱۳۹۹)	ارزیابی احساس امنیت شهری با رویکرد پایدار ملی (نمونه موردی: استان کردستان)	تفاوت فضایی در احساس امنیت در میان شهرستان‌های استان کردستان، متناسب با سطح توسعه یافتگی آنها وجود دارد، بگونه‌ای که شهرستان‌های بانه و بیجار بر اساس شاخص‌های پژوهش، در وضعیت مطلوب امنیت شهری هستند و شهرستان‌های مریوان، دهگلان و سروآباد در وضعیت نامطلوب امنیت شهری، قرار دارند.
بادکوه و همکاران (۱۳۹۹)	سنجش سرمایه‌های معیشتی روستاهای مناطق کوهستانی با رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: دهستان کوهشاه، بخش احمدی - هرمزگان)	یافته‌ها نشان داد که میزان دارایی و سرمایه معیشتی در زمینه‌های مختلف انسانی، مالی، فیزیکی، طبیعی، اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه متفاوت است و به دلیل آسیب‌پذیری در زمینه‌های مختلف در طی سال‌های اخیر از میزان دارایی‌های فیزیکی، مالی و طبیعی کاسته شده و بر میزان دارایی‌های اجتماعی و انسانی افزوده شده است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که پایداری سرمایه‌های معیشتی یکسان نیستند.
قاسمی و همکاران (۱۳۹۸)	شکاف‌های توسعه‌ای، مانعی در تحقق امنیت پایدار در نواحی مرزی (نمونه موردی شهرستان مرزی تایباد)	نتایج بیانگر وجود شکاف توسعه‌ای در سطح دهستان‌های شهرستان است. از این رو سازمان فضایی در این شهرستان نابسامان بوده و یافته‌های پژوهش حاکی از عدم تعادل فضایی در سطح دهستان‌های شهرستان تایباد به لحاظ سطح توسعه است و این نکته می‌تواند امنیت پایدار را در این منطقه را با مشکل مواجه نماید زیرا مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند.
پورمنافی و همکاران (۱۳۹۷)	اولویت‌بندی تهدیدهای امنیت پایدار در مرزهای جمهوری اسلامی ایران (مورد: استان خراسان رضوی)	تهدیدهای موثر بر امنیت پایدار به ترتیب اولویت در مرزهای این استان، عبارتند از: ۱. قاچاق انسان، اسلحه و جرایم سازمان یافته ۲. قاچاق کالا، سوخت، ارز، مواد مخدر و مشروبات الکلی و ۳. مهاجرت و ورود غیر قانونی اتباع بیگانه؛
زرقانی و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تأمین امنیت پایدار(مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان درگز)	برای رسیدن به توسعه پایدار در این منطقه مرزی که با تفاوت فضایی سطح توسعه همراه است، می‌بایست؛ نابرابری‌ها حذف گردند و ظرفیت‌های منطقه‌ای در راستای افزایش فرصت‌های اقتصادی و تأمین معیشت فعال گردند.
جلالیان و ویسیان (۱۳۹۷)	بررسی امنیت پایدار در شهر مرزی سردشت از دیدگاه کارشناسان امنیتی	مؤلفه افزایش سطح تحصیلات و تقویت همبستگی های درونی(قومی و مذهبی) و عملکرد رسانه و عملکرد نهادها، مهمترین ابعاد تاثیرگذار بر امنیت پایدار شهر سردشت هستند. همچنین؛ هیچکدام از ابعاد موثر بر امنیت پایدار این شهر در وضعیت رضایت بخشی قرار ندارد.
مختاری هشی، وزین و قادری (۱۳۹۶)	بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی سیستان و بلوچستان	مناطق روستایی استان در ابعاد مختلف امنیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی آسیب‌پذیر بوده و با چالش‌های متعددی روبرو هستند.
بذرافشان و روستا (۱۳۹۵)	ارزیابی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در مناطق روستایی(مطالعه موردی: بخش	تأثیر متغیرهای محیط فیزیکی، اقتصادی، اعتماد، رضایتمندی از وضع موجود بر احساس امنیت، معنی دار است و تأثیر متغیرهای جنسیت، تحصیلات، تجربه جرم و سن بر احساس امنیت روستاییان در منطقه مورد مطالعه معنی دار نیست.

مرکزی چهارم)		
تشدید مخاطرات محیطی در چند سال آینده و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی کشور موجب می‌شوند که در آینده، امنیت پایدار ملی کشور بواسطه تخریب‌ها و آسیب‌های فراوان جانی و مالی حاصل از مخاطرات محیطی با تهدید جدی روبرو گردد.	ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تاکید بر امنیت زیست محیطی)	حیدری فر و رضایی (۱۳۹۶)
ارتقای سطح معیشت مرزنشینان، مهمترین محرک دستیابی به امنیت پایدار مناطق مرزی است. توزیع منافع توسعه ای بایستی به صورت یکسان در کشور انجام گیرد. انسداد مرزها راه حل طولانی مدت تامین امنیت مرزها نبوده و موجب ایجاد ناپایداری‌های اقتصادی و اجتماعی و سپس، نظامی در مرز می‌گردد.	امنیت پایدار نواحی مرزی	فراهانی و حسینی‌خواه (۱۳۹۴)
شهر شیراز در عرصه‌های کالبدی، زیست محیطی و فرهنگی - اجتماعی، دارای ناپایداری بوده و مدیریت یکپارچه مسئولان را لازمه رفع عوامل ناپایداری و حرکت در مسیر امنیتی پایدار، می‌باشد.	تحلیل ناپایداری امنیتی در شهر شیراز بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری	زنگی آبادی (۱۳۹۳)
بین ایجاد اشتغال و تأمین امنیت در منطقه ارتباط معناداری وجود دارد و توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه گذاری دولت، بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد.	اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تامین امنیت پایدار مناطق مرزی (مطالعه موردی: مرز خراسان جنوبی با افغانستان)	رضازاده و همکاران (۱۳۹۳)
ارتباط متقابلی میان توسعه پایدار و امنیت پایدار وجود داشته و در صورت تحقق وضعیت مطلوب توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و انسانی است که امنیت پایدار حاصل می‌آید. حرکت به سمت این وضعیت نیازمند تغییر سنتی دیدگاه‌های امنیتی و تجدید ساختارهای مدیریت و برنامه‌ریزی است. در نهایت نیز، ابعاد و چارچوب‌ها، ارتباط و پیوستگی‌ها و شاخص‌ها و متغیرهای مورد نیاز در راستای تحقق امنیت پایدار از مسیر توسعه پایدار می‌گذرد که تاکید اصلی نیز، بر تامین معیشت پایدار برای ساکنین می‌باشد.	از امنیت محیطی و امنیت انسانی به امنیت پایدار و توسعه	خاگرم و همکاران ^۱ (۲۰۰۳)

۳) روش تحقیق

پژوهش کاربردی حاضر به روش توصیفی از نوع پس رویدادی (سنجش آثار ناپایدارکننده امنیتی عدم دسترسی مطلوب به دارایی‌های معیشتی) انجام گرفته است. این پژوهش، به لحاظ ماهیت؛ پژوهشی کیفی و جامع نگر می‌باشد. پژوهشی که با روش پیمایشی مبتنی بر مصاحبه‌های هدفمند به گردآوری داده‌های مورد نیاز پرداخته است. سه محور اصلی جهت دستیابی به اهداف و سوالات پژوهش؛ یعنی آثار ناپایدارکننده امنیتی، علل و عوامل بروز و تداوم و راهبردهای اتخاذی روستاییان در برابر دسترسی نامناسب به سرمایه‌های معیشتی، با انجام مصاحبه‌های هدفمند عمیق پاسخ داده شدند. در این ارتباط، نیاز به جامعه آماری متخصص و کارآزموده در عرصه توسعه و امنیت در سطح روستاهای مرزی منطقه بود. بر این مبنای متخصصان و صاحب‌نظران افرادی در عرصه‌های امنیتی و انتظامی، دانشگاهی و مدیریتی شهرستان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (تخصص، تحصیلات، سابقه مدیریتی و اشرافیت بر وضعیت منطقه) مبتنی بر روش گلوله برفی این افراد مشخص گردیدند و تعداد آنها پس از شنیدن جواب‌های تکراری در مصاحبه‌ها که این حالت به معنی پایان نمونه‌گیری در پژوهش

^۱ Khagram et all

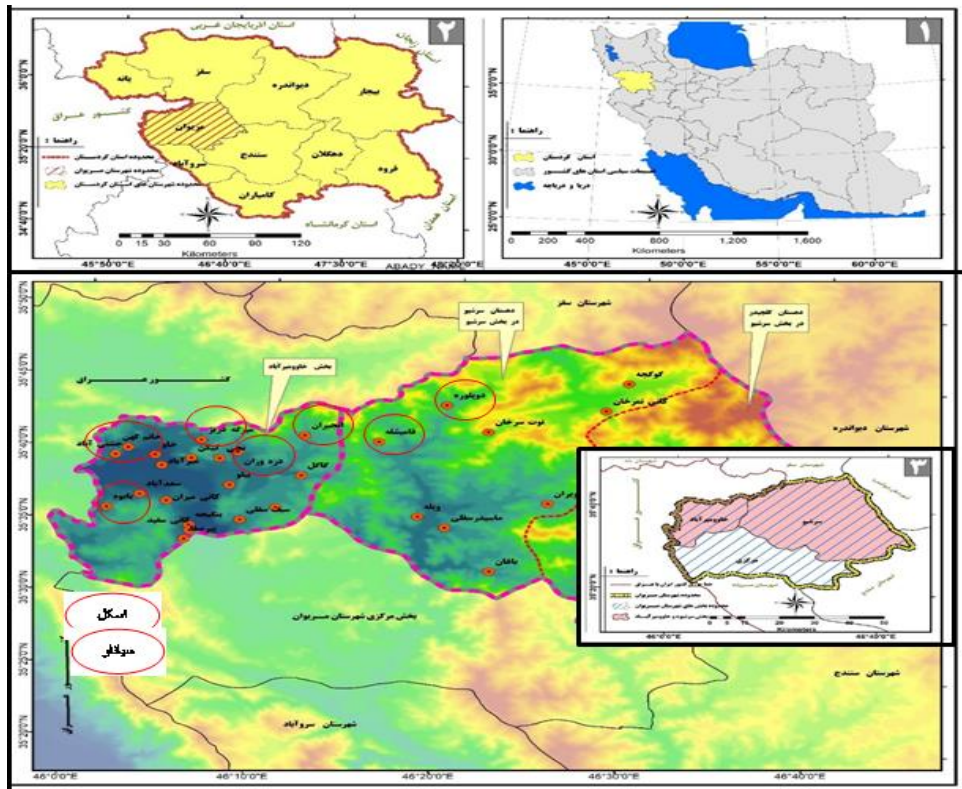
کیفی است به ۵۰ نفر رسید (مشخصات این افراد در جدول ۲ ارائه گردیده است). تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با تکنیک تئوری بنیادی انجام گرفت. مهمترین اصل در تکنیک تئوری بنیادی، عمل کدگذاری است که این مرحله از پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت. در مرحله کدگذاری باز و در ابتدا جملات به عنوان واحد مطالعه انتخاب شدند، بعد از آن کلمات و عبارات کلیدی که پیام اصلی جملات بودند، استخراج گردیدند. در ادامه نیز، برچسب‌های مفهومی مناسبی به عبارت و نکات کلیدی استخراج شده با توجه به اشتراک و شباهت آنها اختصاص داده شد. در کدگذاری محوری، مفاهیم گسترده‌تر و به هم مرتبط شدند و در دسته‌های مشترک یا مقوله‌ها جای گرفتند. به عبارتی دیگر در این مرحله طبقاتی گسترده (مقوله‌ها) شکل گرفت که هر یک دارای خرده طبقاتی (مفاهیمی مشترک) هستند. آخرین مرحله کدگذاری؛ همان تشکیل گسترده‌ترین طبقات می‌باشد یعنی ایجاد مقوله‌های مرکزی که جامع بوده و در برگیرنده تمامی مقوله‌ها و مفاهیم هستند.

جدول ۲. با ویژگی‌های شخصی مصاحبه‌شوندگان

گروه‌های مصاحبه شونده	تعداد افراد مصاحبه شونده	مقطع تحصیلی	طبقه سنی
مرزبانی و نیروی انتظامی	۷	کارشناسی: ۴	۲۰-۳۰ سال: ۱
		کارشناسی ارشد: ۳	۳۱-۴۰ سال: ۵
		دکتری: ---	بیشتر از ۴۰ سال: ۱
فرمانداری و بخش‌داری	۵	کارشناسی: ---	۲۰-۳۰ سال: ---
		کارشناسی ارشد: ۵	۳۱-۴۰ سال: ۲
		دکتری: ---	بیشتر از ۴۰ سال: ۳
دهیاری و شوراهای	۱۱	کارشناسی: ۷	۲۰-۳۰ سال: ۳
		کارشناسی ارشد: ۴	۳۱-۴۰ سال: ۵
		دکتری: ---	بیشتر از ۴۰ سال: ۳
متخصصان دانشگاهی و محققان بومی صاحب کارهای پژوهی مشابه (در گرایش‌های مختلف رشته‌های جغرافیا، جامعه‌شناسی، کشاورزی، محیط زیست و مدیریت)	۱۸	کارشناسی: ---	۲۰-۳۰ سال: ۱
		کارشناسی ارشد: ۵	۳۱-۴۰ سال: ۸
		دکتری: ۱۳	بیشتر از ۴۰ سال: ۹
سایر نهادی دولتی (بنیاد مسکن، اداره راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و محیط زیست)	۴	کارشناسی: ---	۲۰-۳۰ سال: ---
		کارشناسی ارشد: ۲	۳۱-۴۰ سال: ۳
		دکتری: ۲	بیشتر از ۴۰ سال: ۱
انجمن‌های مردم نهاد شهرستان	۵	کارشناسی: ---	۲۰-۳۰ سال: ۱
		کارشناسی ارشد: ۱	۳۱-۴۰ سال: ۲
		دکتری: ۴	بیشتر از ۴۰ سال: ۲
مجموع	۵۰	کارشناسی: ۱۱	۲۰-۳۰ سال: ۶
		کارشناسی ارشد: ۲۰	۳۱-۴۰ سال: ۲۵
		دکتری: ۱۹	بیشتر از ۴۰ سال: ۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

لازم به ذکر است که محدوده مکانی پژوهش حاضر، روستاهای مرزی شهرستان مریوان می‌باشد. شهرستانی که در غرب استان کردستان و همجوار با اقلیم کردستان عراق قرار گرفته و روستاهای مرزی این شهرستان، در محدوده بخش‌های سرشیو، خاوومیرآباد و زریوار که در نزدیکترین فاصله به خط مرزی (کمتر از ۱۵ کیلومتر فاصله تا مرز)، قرار داشتند؛ به عنوان محدوده مکانی و روستاهای هدف از انجام پژوهش مد نظر قرار گرفتند (۱۰ روستا).



شکل ۳. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴ یافته‌های تحقیق

در ابتدا؛ تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در ارتباط با آثار و پیامدهای امنیتی عدم دسترسی مناسب روستاهای مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی، همانطور که در جدول زیر، (شماره ۳)، آورده شده؛ نشان می‌دهد که ایجاد فقر معیشتی بواسطه عدم تامین و دسترسی مناسب روستاییان مرزی به دارایی‌های معیشتی موجب ایجاد طیف متنوعی از ناپایداری‌های امنیتی گردیده است. ترکیب مولفه‌ها و مفاهیم، نشان می‌دهد که امنیت پایدار، سازه‌ای است؛ متشکل از ابعاد و شاخص‌های مختلف و متفاوت که در یک صحنه و مجموعه قرار دارند و مطابق با دید سیستمی که هسته اصلی امنیت پایدار می‌باشد، تضعیف و ناپایداری امنیتی در هریک از ابعاد و شاخص‌ها، ناپایداری و بروز معضل در سایر ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار را سبب می‌گردد. در این راستا؛ همچنان که مشاهده می‌شود بسیاری از مفاهیم شناسایی شده یا به عبارتی، تاثیرات منفی حاصل از عدم تامین و دسترسی مطلوب به دارایی‌های

معیشتی، نتیجه و آثار تضعیف و بروز نارسایی در سایر ابعاد و شاخص‌های امنیتی می‌باشند. در واقع؛ عدم تأمین و دسترسی مطلوب به دارایی‌های معیشتی در مناطق مورد مطالعه، علاوه بر تاثیرات مستقیم (تخریب محیط طبیعی، فقر، خسارات جانی و مالی)، دارای تاثیرات غیرمستقیم و وابسته بسیاری نیز بوده است (ایجاد حفره‌های امنیتی با فاصله‌گیری مردم و نظام بواسطه بروز احساس بی عدالتی ناشی از عدم توجه دولت به این مناطق با تداوم خسارات جانی و مالی بحران‌های محیطی، تداوم قاچاق، افزایش مهاجرت و...). از سویی دیگر، ناپایداری و مضللات امنیتی ایجاد شده تنها محدود به این مناطق نمانده و امنیت ملی و عمومی کشور را نیز، مورد تهدید قرار داده است تا بتوان به اهمیت پایداری امنیت در مناطق مرزی به عنوان دروازه‌های امنیتی، پایداری امنیت ملی کشور پی برد. از سویی دیگر نیز، آنچه که پایداری را به عنوان وجه وصفی امنیت مطرح می‌سازد، تداوم وضعیت مطلوب آن در بلندمدت می‌باشد، در این ارتباط، تاثیرات و ناپایداری‌های شکل گرفته منجر شده‌اند تا آینده امنیتی در منطقه به سمت ناپایداری و چالش‌های بیشتری در حرکت باشد، در واقع، آسیب‌پذیر بودن و عدم تاب‌آوردن شرایط امنیت منطقه بواسطه اثرپذیری از عدم تأمین و دسترسی مطلوب به دارایی‌های معیشتی، موجب می‌شود که نتایج حاصله از این شرایط آسیب‌پذیر، آینده ناپایدار امنیتی را برای مناطق روستایی مرزی مورد مطالعه به همراه آورد. همچنین؛ این وضعیت نشان از ارتباطات درونی و همگرایی ابعاد دارایی‌های معیشتی داشته و اهمیت توجه به بهبود همزمان دارایی‌ها را در راستای تأمین معیشت پایدار روستاییان، نشان می‌دهد. در واقع، عدم مطلوبیت دسترسی به دارایی‌های معیشتی توسط تمامی ابعاد دارایی‌ها، تقویت گردیده‌است و نمی‌توان، صرفاً با تأکید بر بهبود بر جنبه خاصی از دارایی‌ها به تأمین معیشت و پایداری معیشت روستاییان امیدوار بود. رویکردی که در مدیریت توسعه روستایی کشور (فقدان دید جامع و ترکیبی به دارایی‌های معیشتی در راستای تأمین معیشت)، سال‌ها با تکیه بر عمران و اصلاح کالبدی به معنای رفاه روستایی و سپس، تأکید بر تزریق منابع مالی به عنوان نجات‌دهنده معیشت روستاییان ادامه یافت و نتایج اثربخشی را هم به دنبال نداشت

جدول ۳. آثار و پیامدهای عدم دسترسی مناسب روستاهای مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی با تکنیک تئوری

بنیادی

مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله‌های مرکزی	نایاب‌سازی امنیت
فاصله گرفتن مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی - افزایش دید امنیتی و انسداد مرزهای منطقه - رواج فرهنگ قانون‌گریزی - کاهش حس تعلق و وفاداری مردم محلی به دولت - پیوستن جوانان به گروه‌های مخالف - افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه حکومت - افزایش تهدیدها برای مرزبانان و پاسگاه‌های مرزی - افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز - تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته اعمال مجرمانه (قاچاق کالا، فروش اسلحه و...) - افزایش تضادهای قومیتی در میان مردم محلی با دیگر نواحی کشور (احساس بی‌عدالتی) - آسیب دیدن سازه‌های امنیتی و انتظامی - افزایش رادیکالیسم اسلامی (تضادهای مذهبی).	معضلات امنیت سیاسی - نظامی	ناپایداری امنیت ملی	
فشار بر منابع طبیعی و تخریب آن جهت گذران معیشت	معضلات امنیت محیط طبیعی	ناپایداری امنیت انسانی (محلی - منطقه‌ای)	
عدم دل‌بستگی مردم به محیط روستاها - افزایش سرقت‌ها و احساس ترس و ناامنی خانوارها از نگه داشتن دارایی‌ها در منزل و امنیت سایر دارایی‌ها (تراکتور، موتور آب، کندوهای عسل، کمپاین، خودرو شخصی و...) - کاهش سطح تحصیلات - افزایش ناعدالتی و شکاف درآمدی با شهرها - مهاجرت - کاهش سرمایه اجتماعی - افزایش نزاع و درگیری - افزایش حاشیه نشینی و تشکیل مناطق جرم‌خیز در شهرهای مجاور - بی‌اعتمادی مردم محلی به رسانه‌های محلی (عدم پوشش اخبار) - افزایش فقر و فرهنگ آن - عدم همکاری مردم محلی با مسئولین در اجرای طرح‌های امنیتی و توسعه‌ای.	معضلات امنیت اجتماعی		
گریش به قاچاق کالا - عدم جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و دولتی به منطقه - تمایل مردم به سرمایه‌گذاری در مشاغل واسطه‌ای و کاذب در شهر - انتقال سرمایه‌های خرد روستاییان به شهرهای مجاور - افزایش بیکاری - عدم تنوع شغلی - افزایش هزینه‌های دولت در پروژه‌های عمرانی بواسطه عدم همکاری مردم محلی - کاهش پس‌انداز و درآمد - کاهش توان پرداخت و تامین هزینه‌ها خانوار از سوی سرپرستان خانوار - انحلال تعاونی‌های تولیدی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در روستاها - عدم توانایی مردم در دریافت وام‌های اشتغالزایی، ساخت‌وساز و تولیدی - کاهش تعداد و تنوع دام‌ها.	معضلات امنیت اقتصادی		
کاهش توان تامین نیازهای غذایی (تهیه گوشت و لبنیات و...)، کاهش تولید محصولات مصرفی خانوار	نامنی غذایی		
تخلیه روستاهای کم جمعیت و نزدیک به مرزها - اتلاف منابع آب و خاک و کاهش تولید ملی - تغییر در ساختار و ترکیب جمعیتی در شهرهای مجاور این مناطق مرزی - قاچاق گسترده - افزایش قدرت و نفوذ گروه‌های مخالف (پیوستن جوانان روستایی به آنها) - افزایش فقر - عدم مشروعیت دولت در این مناطق - هدر رفتن هزینه‌های انجام شده در زمینه تامین امنیت و توسعه منطقه - انسداد شدیدتر مرزها - خسارت‌های جانی و مالی به نیروهای و سازه‌های امنیتی و مرزی منطقه.	آسیب‌های بلندمدت امنیتی	ناپایداری بلندمدت امنیتی	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

در ادامه و در ارتباط با شناسایی علل و عوامل بروز و تداوم وضعیت نامناسب دسترسی روستاهای مرزی به دارایی‌های معیشتی و آثار ناپایدارکننده امنیتی آن، با بهره‌گیری از تکنیک تئوری بنیادی (طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی) علل و عوامل موثر بر دسترسی و توزیع نامناسب روستائیان شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی در مصاحبه‌های هدفمند با متخصصان و آگاهان علمی و محلی، مسئولین توسعه‌ای و مدیران شهرستانی و فعالین اقتصادی و کارآفرینان سطح شهرستان به شرح جدول

۴، شناسایی گردید. همانطور که ملاحظه می‌گردد؛ موانع و مشکلات بسیاری، هم در عرصه‌های فعالیتی مرتبط با مدیران توسعه‌ای و امنیتی و هم، در میان اجتماعات محلی و در عرصه‌ای فراگیرتر در فضای کسب و کار منطقه در برابر عدم دسترسی به دارایی‌های معیشتی در نواحی روستایی مرزی مورد مطالعه و ایجاد معضلات امنیتی وابسته به آن وجود دارد.

جدول ۴. شناسایی علل و عوامل عدم دسترسی به سرمایه‌های معیشتی و تداوم آثار ناپایدارکننده امنیت آن نواحی روستایی مرزی شهرستان مریوان با تکنیک تئوری بنیادی

مقوله‌های مرکزی	مقوله‌ها	مفاهیم مشترک
نارسایی‌های نهادی	ضعف برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و مدیریتی توسعه‌ای	عدم وجود برنامه بلندمدت توسعه اقتصادی در سطح شهرستان با تعیین نقش روستاهای مرزی در این مسیر، تسلط دلالت و واسطه‌ها بر سود محصولات کشاورزی روستاها؛ راندانمان اندک اراضی (تسلط اراضی دیم و خرد)؛ سنتی بودن وضعیت کشاورزی، عدم مهارت آفرینی در میان روستاییان در حوزه‌های اشتغالی خارج از بخش کشاورزی، در حاشیه بودن روستاهای مرزی نسبت به شهر مریوان در یک مدل مرکز-پیرامون؛ مصرف‌گرا نمودن روستاها، فقدان طرح و برنامه منسجم تنوع بخشی اقتصادی، عدم انجام طرح‌های اولیه شناسایی زمینه‌ها و توانمندی‌های روستاهای مرزی جهت جذب سرمایه‌گذاران با محاسبه هزینه-فایده آنها، عدم حرکت به سمت بازاریابی محصولات تولیدی روستاهای مرزی در بازارهای مصرف شهرستان‌های اطراف و کشور عراق، فقدان رقابت اقتصادی در منطقه، نبود تلاش سازماندهی شده جهت جذب سرمایه‌گذار به این روستاها، تاکید و تبلیغ فراوان بر سرمایه‌گذاری در شهر مریوان، تعدد روستاها کم جمعیت و پراکنده در منطقه مرزی، مترادف دانستن سرمایه‌گذاری در توسعه روستایی با سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی توسط نهادهای دولتی و مردم محلی، فقدان تعاونی‌ها در منطقه، عدم شبکه‌سازی و تشویق سرمایه‌داران بومی روستاها جهت بازگشت سرمایه (از شهر) و سرمایه‌گذاری در روستا، مهاجرت گسترده از روستاها به شهر مریوان، عدم جایگزینی فعالیت‌های اشتغالزا به جای قاچاق کالا در منطقه با انسداد مرزها، عدم مبارزه با دانه درشت‌های عرصه قاچاق در کشور و تاکید بر کولبران در کاهش قاچاق کالا، ضعف و عدم روی آوردن به رویکرد توسعه مشارکتی اقتصادی در این منطقه مرزی.
نامناسب بودن محیط کسب و کار منطقه	نامناسب بودن محیط کسب و کار منطقه	تسلط فرهنگ دلالتی و مشاغل واسطه و قاچاق در منطقه به جای خوداشتغالی و کارآفرینی در روستاهای مرزی؛ ریسک بالای اشتغالزایی بخش خصوصی در روستاهای مرزی منطقه، فقدان رقابت اقتصادی در منطقه- شکست کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری‌های قبلی در سطح روستاها و بازتاب آن در میان مردم شهری و روستایی - عدم حمایت خانواده‌ها از راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا توسط جوانان- عدم اعتقاد مردم محلی و سرمایه‌داران شهری به برگشت سرمایه و سود آن با سرمایه‌گذاری در محیط روستاها- تمایل روستاییان به حضور در مشاغل کاذب و واسطه‌ای بواسطه مرزی بودن.
مدیریت امنیتی مرز	مدیریت امنیتی مرز	مدیریت تهدید محورانه این منطقه مرزی، عدم آگاهی مسئولان امنیتی از ارتباط و تاثیر توسعه اقتصادی در تامین امنیت پایدار منطقه، قرق مراتع بکر در روستاهای مرزی، شکاف عملکردی میان مسئولین امنیتی و توسعه‌ای، عدم برجسته‌سازی امنیت مرزی موجود در منطقه، مقابله ضعیف با تبلیغات رسانه گروه‌های مخالف در ناامن نمودن مرزهای منطقه
ضعف قوانین و حمایت‌ها	ضعف قوانین و حمایت‌ها	عدم تدوین طرح جامع ساماندهی کولبری در کشور، بروکراسی شدید اداری برای دریافت وام و راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاها، آشفته‌گی اقتصادی کشور، عدم وجود قوانین حقوقی و قضایی محکم برای حمایت از سرمایه‌های سرمایه‌گذاران، عدم وجود یک متولی خاص و فعال در زمینه حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در روستاها در سطح کشور، منتفع شدن سرمایه‌گذاران شهری و فرمانطقه‌ای از منافع تجارت مرزی در منطقه، عدم تکمیل شهرک صنعتی در بخش خاوومیرآباد، نابرابری و ناعدالتی فضایی در بهره‌مندی از منافع توسعه در نواحی روستایی و شهری شهرستان، تعطیلی بازارچه مرزی منطقه، تخریب محیط طبیعی منطقه، مشکلات مرتبط با مالکیت زمین‌ها به ویژه زمین‌های کشاورزی در منطقه (به منظور یکپارچه‌سازی و جذب سرمایه‌گذار)، عدم شناسایی جوانان صاحب ایده در روستاها و هدایت و حمایت از آنها در زمینه اشتغالزایی و کارآفرینی.

مقوله‌های مرکزی	مقوله‌ها	مفاهیم مشترک
	ضعف در زیرساخت‌های کالبدی مورد نیاز توسعه اقتصادی	نامناسب بودن جاده‌های مواصلاتی به روستاهای مرزی و دورافتاده تر از مرکز، عدم دسترسی رضایت بخش به منابع انرژی در سطح روستاها به ویژه ضعف در تامین منابع آب مورد نیاز، عدم دسترسی رضایت بخش به اینترنت و آنتن دهی موبایل؛ عدم تامین منابع انرژی مورد نیاز در روستاها در راستای راه اندازی واحدهای تولیدی کشاورزی (گلخانه‌ها و...)، ضعف اجرایی و عدم به روز رسانی طرح های هادی و تعیین حریم روستا جهت راه اندازی واحدهای تولیدی (متفاوت بودن راه اندازی واحدهای در درون و بیرون حریم).
ضعف منابع مالی	کمبود سرمایه مردم محلی	فقر روستاییان، ناتوانی مردم محلی به دریافت وام‌های اشتغالزایی (شرایط دشوار بازپرداخت و دریافت)، عدم وجود صندوق‌های خرد محلی - کمبود بودجه دهیاری‌ها- عدم زمینه‌سازی جهت ورود بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، عدم شبکه‌سازی و تشویق سرمایه‌داران بومی روستاها جهت بازگشت سرمایه (از شهر) و سرمایه‌گذاری بر روی توانمندی‌های روستاها.
ضعف در سرمایه‌های انسانی و اجتماعی	ضعف‌های اجتماعی - فرهنگی	فرهنگ تقدیرگرایی و وابستگی روستاییان، شناختن دولت به عنوان تنها متولی توسعه در روستاهای منطقه، عدم ریسک‌پذیری مردم محلی، عدم تمایل بواسطه اعتقادات مذهبی و نیز، عدم توانایی مردم محلی به دریافت وام اشتغالزایی، عدم همکاری مردم در اجرای برنامه‌های عملیاتی سرمایه‌گذاری‌های کلان منطقه، نازل بودن سطح تحصیلات مردم محلی، عدم اعتقاد مردم محلی و سرمایه‌داران شهری به برگشت سرمایه و سود آن با سرمایه‌گذاری در محیط روستاهای مرزی، ارزش شدن قاچاق کالا در منطقه، عدم حمایت از ورود زنان به عرصه توسعه اقتصادی به صورت مستقل.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

در ادامه؛ مهمترین راهبردهای اتخاذی در عرصه امنیتی و توسعه‌ای در راستای مقابله با وضعیت نامناسب معیشتی و امنیتی حاصل از آن در روستاهای مرزی مورد مطالعه و نتایج حاصل از آنها، شناسایی گردیدند. همانطور که در شکل ۴ ملاحظه می‌گردد؛ راهبردهای بکارگرفته راهبردهایی نیستند که بتوانند به صورت ریشه‌ای و ساختاری به حل این معضل در سطح منطقه منجر گردند. عموماً؛ راهبردهای تدافعی به منظور جلوگیری از عدم نامناسب‌تر شدن وضعیت موجود، بکارگرفته شده‌اند.

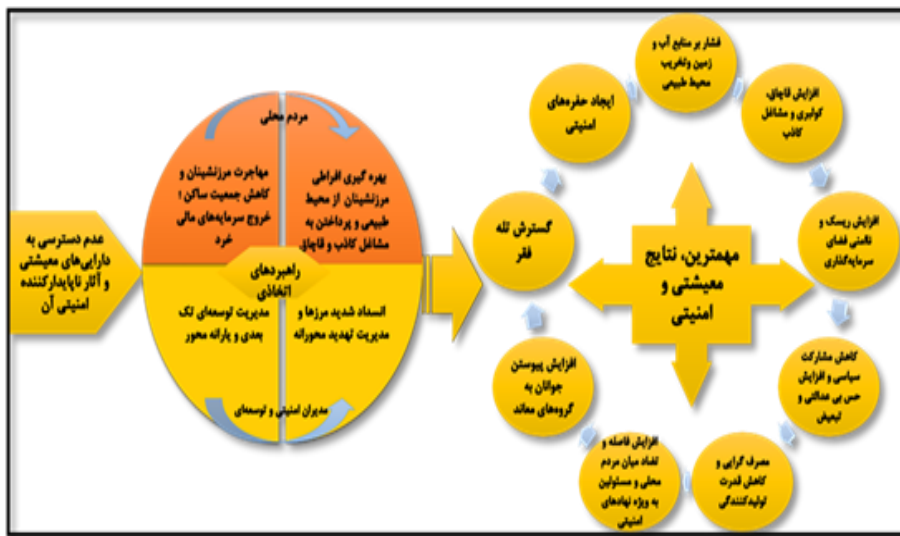
راهبرد انسداد مرزها و مدیریت تهدیدمحورانه: این راهبرد از سوی مدیران امنیتی و توسعه‌ای در این منطقه مرزی با تعطیل نمودن بازارچه‌های مرزی، انسداد شدید فیزیکی مرزها (حتی قرق مراتع بکر مرزی) و دشواری دسترسی و سرمایه‌گذاری در این مناطق انجام گرفت. این دید تهدید محورانه به این روستاهای مرزی موجب گردیده که مرز به عنوان عامل تهدیدآفرین تلقی گردد و منابع مهم درآمدی روستائیان مرزی که تجارت مرز بود از میان برود که این امر؛ ضربه بزرگی به دسترسی به دارایی‌های مالی به عنوان مهمترین دارایی‌های معیشتی در میان روستاهای محروم و مرزی مورد مطالعه بود. اتخاذ این راهبرد می‌تواند تامین معیشت مرزنشینان و بهره‌گیری از فرصت‌های روستاهای مرزی را با مشکل مواجه سازد..

راهبرد مدیریت توسعه‌ای تک بعدی و یارانه‌ای: در این راهبرد اتخاذی با توجه به پدیدار شدن آثار ناپایداری امنیتی، اقداماتی کوتاه مدت، فوری و پراکنده؛ نه در راستای حل ریشه‌ای بلکه در راستای التیام موقعیتی آثار نامناسب امنیتی و اجتماعی وضع موجود، اجرایی گردید. اختصاص مبلغی ناچیز به عنوان سهمیه سوخت مرزنشینان و یا بازگشایی موقتی و محدود بازارچه و اختصاص بخشی از درآمد به روستاییان، انجام اقدامات کالبدی، مانند تامین منابع انرژی و ساخت جاده مواصلاتی و مساکن روستایی برای فقرا و تلقی از آن به عنوان اقدامات ریشه‌ای حل معضل امنیتی و معیشتی، نمونه‌ای از اقدامات انجام

گرفته در این راهبرد بودند که به واسطه تلقی تک بعدی از سرمایه‌های معیشتی و تعریف آن به بعد کالبدی و فراموشی سایر سرمایه‌های معیشتی و نیز، کمک‌های مالی محدود و پراکنده، نتوانسته‌است آثار رضایت بخشی در ارتباط با دسترسی به دارای‌های معیشتی و کاهش آثار ناپایدارکننده امنیتی آنها در منطقه برجای بگذارد.

بهره‌گیری افراطی از محیط طبیعی و پرداختن به مشاغل کاذب و قاچاق: این راهبرد اتخاذی از سوی مردم محلی مرزنشین، واکنشی به عدم دسترسی رضایت بخش به دارایی‌های معیشتی و در حاشیه قرارگرفتن در نظام توزیع منافع توسعه‌ای شهرستان می‌باشد. با تداوم وضعیت نامناسب موجود؛ بهره‌گیری افراطی از منابع طبیعی که مهمترین نمونه‌های آن را می‌توان در توسعه کوره‌های زغالگیری از جنگل‌های طبیعی منطقه، برداشت افراطی از مناطق جنگلی و آب‌های زیرزمینی و آلوده کردن آب‌های سطحی و تصرف مراتع و اراضی ملی و تبدیل نمودن آنها به باغات دیمی، دید؛ در راستای دستیابی به دارایی‌های مالی افزایش یافته است. قاچاق کالا و پرداختن به مشاغل کاذب به یک ارزش اجتماعی و یک عرصه پایدار و پرسود کسب و کار در سطح این روستاهای مرزی تبدیل شده است. هر چند که در کنار قاچاق احشام و کالا از روستاهای مرزی، پدیده شوم کولبری نیز در سطح منطقه افزایش یافته و برخورد نظامی با کولبران و قاچاقچیان نیز که خسارت جانی را به همراه آورده است؛ تبعات و خسارات امنیتی فراوانی را در بعد احساس امنیت در سطح منطقه و عرصه ملی برجای گذارده است. در واقع؛ قانون‌گریزی و مقابله با قانون به عنوان تنها راه چاره تأمین معیشت توسط مردم محلی بکارگرفته شده است.

مهاجرت و خروج سرمایه از مرزها: راهبرد دیگری که توسط مرزنشینان در روستاهای مرزی مورد مطالعه در واکنش به وضعیت نامناسب دسترسی به دارایی‌های معیشتی بکارگرفته شده؛ مهاجرت از این روستاهای مرزی و یا انتقال سرمایه‌های خرد و کلان خود به شهر مریوان و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های واسطه‌ای و خرید ملک می‌باشد. در واقع، تداوم وضعیت نامناسب موجود، روستاهای مرزی را به نقاط مغلوب و بازنده در فضای اقتصاد منطقه؛ بدل و سرمایه‌های مالی و انسانی به عنوان مهمترین سرمایه‌های تحول‌زا در تأمین معیشت به خارج از روستاها انتقال داده شده‌اند. سرمایه‌هایی که در صورت ماندگاری، حفظ و بهره‌گیری در ارتباط با فعال نمودن ظرفیت‌های روستاها، می‌توانستند زمینه‌ساز تأمین معیشت و ارتقای سطح کیفیت زندگی مرزنشینان به عنوان هسته اصلی امنیت پایدار، گردند.



شکل ۴) مهمترین راهبردهای اتخاذی و نتایج معیشتی و امنیتی عدم دسترسی به دارایی‌های معیشتی و آثار ناپایدار کننده امنیتی آنها در روستاهای مرزی مورد مطالعه، منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت تامین معیشت و کیفیت زندگی از طریق دسترسی به دارایی‌های معیشتی به عنوان هسته اصلی رویکرد نوین تامین امنیت، یعنی امنیت پایدار در نواحی پرمخاطره مرزی؛ پژوهش حاضر به منظور بررسی زمینه‌های ایجاد، ارتباط و اثرات عدم تامین سرمایه‌های معیشتی در ایجاد ناپایداری امنیتی در نواحی روستایی مرزی شهرستان مریوان انجام گرفت. در این ارتباط سه سوال اصلی مرتبط با ریشه‌یابی و سنجش آثار و ارتباطات به شرح زیر تدوین گردیدند:

سوال اول: دسترسی نامناسب روستاییان مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی؛ چه پیامد و تاثیراتی را در ایجاد ناپایداری امنیتی شهرستان برجای گذارده است؟ یافته‌های حاصله در راستای پاسخگویی به این سوال پژوهش، هم راستا با پژوهش‌های پیری و فیروزی (۱۳۹۹)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۸)، بذرافشان و روستا (۱۳۹۶) و حیدری فر و رضایی (۱۳۹۶) نشان داد که عدم دسترسی مناسب روستاهای مرزی شهرستان به دارایی‌های معیشتی موجب ناپایداری امنیت در عرصه های مختلف آن در منطقه مورد مطالعه گردیده است. این ناپایداری‌های امنیتی در ۵۱ شاخص در قالب ۳ مقوله اصلی؛ آینده ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی- نظامی؛ ناپایداری امنیت غذایی و محیطی- کالبدی و ناپایداری امنیت اقتصادی و اجتماعی جای گرفتند. این وضعیت نشان داد که عدم دسترسی به دارایی‌های معیشتی بواسطه ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت عرصه توسعه منطقه به بحران-هایی مبدل شده‌اند که با توجه به قرارگرفتن کیفیت زندگی در هسته اصلی امنیت پایدار، موجب کاهش کیفیت زندگی و در نتیجه ناپایداری امنیتی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان شده‌اند.

با توجه به این اصل مهم در رویکرد معیشت پایدار که دارایی‌های معیشتی را در یک مجموعه هم پیوند و مرتبط به هم مورد بررسی قرار می‌دهد و تامین معیشت پایدار را در گرو مطلوبیت کمی و کیفی تمامی عناصر دارایی‌های معیشتی می‌داند؛ ضعف و نارسایی‌ها در تمامی ابعاد و دارایی‌های معیشتی

موجب تداوم فقر معیشتی و در نتیجه آن بروز و تداوم ناپایداری امنیتی در ابعاد مختلف آن در روستاهای مرزی شهرستان مریوان گردیده است.

سوال دوم: مهمترین، علل و عوامل بروز، رقم خوردن و تداوم این وضعیت نامناسب در ارتباط با تحقق امنیت پایدار در سطح منطقه با تاکید بر دسترسی به دارایی‌های معیشتی در نواحی روستایی مورد مطالعه؛ کدامند؟

یافته‌های حاصل از تکنیک تئوری بنیادی، هم راستا با پژوهش‌های باد کوه و همکاران (۱۳۹۹)، پورمنافی و همکاران (۱۳۹۷)، جلالیان و ویسیان (۱۳۹۷) و بذرافشان و روستا (۱۳۹۵) نشان داد که ۶۳ ضعف؛ در قالب مولفه‌های ضعف برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و مدیریتی توسعه‌ای؛ نامناسب بودن محیط کسب و کار منطقه؛ مدیریت امنیتی مرز؛ ضعف قوانین و حمایت‌ها؛ ضعف در زیرساخت‌های کالبدی مورد نیاز توسعه اقتصادی؛ کمبود سرمایه مردم محلی و ضعف‌های اجتماعی-فرهنگی، مهمترین علل و عوامل و کاستی‌هایی هستند که وضعیت نامناسب موجود دسترسی روستاییان مرزی شهرستان مریوان به دارایی‌های معیشتی و در نتیجه آن کاهش سطح کیفیت زندگی و ایجاد ناپایداری امنیتی را موجب شده‌اند. همانگونه که ملاحظه می‌گردد؛ دید امنیتی به این منطقه مرزی به عنوان یکی از موانع اصلی مشخص گردیده است. بواقع؛ تا زمانی که این اصل مهم، یعنی؛ ارتباط متقابل توسعه (به معنای ارتقای سطح کیفیت زندگی از طریق دسترسی به دارایی‌های معیشتی) و امنیت در عرصه مدیریت انتظامی نواحی مرزی، همانند منطقه مورد مطالعه، درک نگردد؛ نمی‌توان به تأمین امنیت پایدار این مناطق، امیدوار بود. دید امنیتی به منطقه موجب می‌گردد تا ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یابد؛ بخش خصوصی حاضر به ورود و سرمایه‌گذاری نگردد؛ فعالیت‌ها و سازه‌های توسعه‌ای یا بروکرسی شدید و با پیچ‌وخم‌های فراوانی روبرو گردند که عملاً؛ تاسیس و راه‌اندازی آنها در منطقه ممکن نگردد که برآیند همه این موارد نیز، افزایش و گسترش فقر معیشتی خواهد بود.

سوال سوم: مهمترین، راهبردهایی که روستائیان و مسئولین توسعه و امنیت روستاهای مرزی منطقه در برخورد با وضعیت نامطلوب دسترسی به سرمایه‌های معیشتی بکار گرفته‌اند، کدامند؟ آیا این راهبردها در مسیر حرکت به سمت تأمین امنیت پایدار قرار دارند؟

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بازدید وضعیت میدانی هم راستا با پژوهش‌های زرقانی و همکاران (۱۳۹۷)، فراهانی و حسینی‌خواه (۱۳۹۴) زنگی‌آبادی (۱۳۹۳)، رضازاده و همکاران (۱۳۹۳) و خاگرام و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که راهبرد انسداد مرزها و مدیریت تهدیدمحورانه، راهبرد مدیریت توسعه‌ای تک بعدی و یارانه‌ای، بهره‌گیری افراطی از محیط طبیعی و پرداختن به مشاغل کاذب و قاچاق و مهاجرت و خروج سرمایه از مرزها؛ مهمترین راهبردهای اتخاذی از سوی مسئولین توسعه‌ای و امنیتی و روستائیان در مقابله با وضعیت نامناسب دسترسی به دارایی‌های معیشتی و ناپایداری‌های امنیتی حاصل از آن می‌باشد. راهبردهایی که نشان از عدم حرکت نقش آفرینان (مردم محلی و مسئولین امنیتی و توسعه‌ای) در مسیر تأمین پایدار امنیت بواسطه ارتقای سطح کیفیت زندگی ندارد. راهبردهایی که به دلیل نادیده گرفته شدن ارتباط متقابل توسعه و امنیت، عدم درک جامعیت امنیت پایدار، انسدادی

نگریستن به وضعیت تامین امنیت مرزها و ارزشی شدن فعالیت‌های غیرمولد و تداوم تله فقر معیشتی، نمی‌توانند محرک حل ریشه‌ای و ساختاری و ارتقای توان مقابله معیشتی روستاییان باشند.

بر مبنای نتایج حاصله راهکارهای زیر در راستای حرکت در مسیر تامین امنیت پایدار روستاهای مرزی شهرستان مریوان، پیشنهاد می‌گردد:

- در ابتدا؛ در عرصه مدیریت امنیتی و توسعه‌ای شهرستان، نیاز است که ارتباط متقابل این دو مولفه در تامین امنیت پایدار به عنوان سازه‌ای چند وجهی که کیفیت زندگی در هسته و مرکز آن قرار دارد؛ درک و در حوزه عمل اجرایی گردد. در این ارتباط، تشکیل یک کارگروه واحد و مرکب از تمامی نهادها و ارگان‌های امنیتی و توسعه‌ای منطقه در راستای اجرای هماهنگ و موثر برنامه‌ها و پرهیز از موازی‌کاری، ضرورتی انکارناپذیر است. نیاز است که دید امنیتی مدیریت این منطقه مرزی، بایستی از دید تهدیدمحورانه به فرصت محورانه تبدیل و در این راستا، امنیت و توسعه منطقه در قالب امنیت پایدار و در ارتباط متقابل با یکدیگر دیده شده و دسترسی روستاییان به دارایی‌های معیشتی که عامل اصلی تامین کیفیت مطلوب زندگی است، سرلوحه اجرای برنامه‌های امنیتی و توسعه‌ای قرارگیرد؛
- همانطور که اصل اساسی رویکرد معیشت پایدار نیز به مجموعه بودن دارایی‌های پنجگانه در راستای تامین معیشت تاکید دارد؛ در عرصه مدیریت توسعه‌ای، نیاز به تغییر دیدگاه از دیدگاه صرفا رفاهی و کالبدی و یا دید مالی مبتنی بر تزریق سرمایه به مجموعه دیدن سرمایه‌های معیشتی و اقدام برای بهبود همزمان آنها از لحاظ کمی و کیفی است. در این ارتباط، بهبود وضعیت زیرساختی‌های ارتباطی و رفاهی و بهداشتی، تامین منابع مالی، تقویت مهارت‌آفرینی، تحول بخشی به وضعیت کشاورزی، تقویت مدیریت محلی، تقویت همگرایی جمعی و سرمایه اجتماعی، مدیریت توسعه‌ای یکپارچه و مشارکتی، دارای اولویت می‌باشند؛
- مهمترین و اصلی‌ترین راهکاری که می‌بایست در راستای بهبود وضعیت دسترسی روستائیان به دارایی‌های معیشتی در نظر گرفته شود؛ مطابق با چارچوب رویکرد معیشت پایدار؛ متنوع‌سازی محیط اقتصادی روستاهای منطقه می‌باشد. متنوع‌سازی که هم بخش کشاورزی و هم در بخش غیرکشاورزی رخ دهد. در این ارتباط نیاز است که در ابتدا؛ ظرفیت سنجی مناسبی از سطح توان‌ها و ظرفیت‌های روستاهای منطقه و نیروی انسانی آن انجام گیرد و متناسب با این ظرفیت‌ها، پروژه و طرح‌های اقتصادی در قالب زنجیره‌های فعالیتی تعریف گردد. پروژه‌ها و طرح‌هایی که هم به صورت خرد و در سطح روستاها و هم به صورت مقیاس متوسط و یا بزرگ مقیاس در مقیاس‌های فضایی گسترده‌تری قابلیت اجرایی شدن داشته باشند. توانمندسازی نیروی انسانی و تبدیل نیروی انسانی و فعال کار روستاها به سرمایه انسانی لازمه حرکت به سمت تنوع‌بخشی و تحول بخشی اقتصادی در راستای افزایش دسترسی به سرمایه‌های معیشتی برای روستاییان می‌باشد. در این ارتباط، هدف؛ انجام کمک‌های مالی محدود نیست؛ بلکه ارائه آموزش‌های مستمر، هم در عرصه تخصصی و هم در عرصه روانی و ذهنی ضرورتی بسیار بیشتر دارد. در این ارتباط، رویکرد مشارکتی توسعه اقتصادی و تبدیل مردم محلی به هدف و وسیله دستیابی به آن می‌تواند گام موثری در راستای توانمندسازی مردم محلی در راستای تحول بخشی اقتصادی تلقی گردد. در این ارتباط، ارائه مشوق‌ها و حمایت‌های قانونی برای ورود سرمایه‌گذاران، تشکیل صندوق‌های خرد و تعاونی‌ها از سوی روستائیان، انعکاس اهمیت و اثر توسعه اقتصادی و بهبود معیشت در تامین پایدار این منطقه پرمخاطره جهت جذب منابع مالی بیشتر دولتی، نظارت بر حسن

- هزینه کرد منابع مالی در پروژه‌های اقتصادی، اختصاص وام‌ها به شرایط دریافت و بازپرداخت آسان و در نهایت؛ فعال سازی دوباره بازارچه‌های مرزی منطقه با رویکرد صادراتی و مشارکتی، مهمترین راهکارها؛ در راستای افزایش تأمین منابع مالی در راستای تحول و تنوع‌بخشی به اقتصاد نیمه‌جان روستاها و ارتقای سطح کیفیت زندگی روستاییان، خواهد بود؛ و
- نوع راهبردهای اتخاذی در راستای تأمین امنیت پایدار از گذر دسترسی به دارایی‌های معیشتی از سوی مردم محلی و مسئولین، بایستی؛ به راهبردهای مبتنی بر توانمندسازی و توسعه ظرفیتی، توسعه مشارکتی، مهارت‌آفرینی، توسعه خوداشتغالی و کارآفرینی، تقویت احساس امنیت و رصد مرز با ورود فناوری و رویکردی مشارکتی، تغییر یابد.

۷ منابع

- آدمی، علی، حضریان، مهدی و عباس‌زاده، هادی، (۱۳۹۰)، الزامات گذر به امنیت ملی پایدار، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۲۷-۵.
- آقای، علی اکبر و تاش، تیمور، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه و فرآیند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی، مجله علمی تخصصی دانشنامه، شماره ۷۸، صص ۲۲-۳.
- اعظمی، موسی و شنازی، کاروان، (۱۳۹۷)، تحلیل اثرات تالاب زریوار مریوان بر دارایی‌های معیشتی خانوارهای روستایی حاشیه آن، جغرافیا و توسعه، شماره ۵۱، صص ۴۲-۲۵.
- بادکو، بهروز، قاسمی، محمد، رنجبرکی، علی و شکیبا، احمد، (۱۳۹۹)، سنجش سرمایه‌های معیشتی روستاهای مناطق کوهستانی با رویکرد معیشت پایدار (موردی: دهستان کوه شاه؛ هرمزگان)، مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال اول، شماره ۳، صص ۶۵-۵۳.
- باقری، حسین؛ موسوی، سیدعلیرضا و لطفی، مصطفی، (۱۳۹۳)، الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۵۰-۱۷.
- بذرافشان، جواد و روستا، مجتبی، (۱۳۹۵)، ارزیابی عوامل موثر بر احساس امنیت در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی - شهرستان جهرم)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۵۲-۱۴۲.
- بذرافشان، جواد و طولابی‌نژاد، مهرشاد، (۱۳۹۵)، تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار روستاهای مناطق مرزی بخش مرکزی شهرستان سراوان، فصلنامه تحقیقات کاربردی، دوره ۱۶، شماره ۴۱، صص ۷۶-۵۵.
- پورمنافی، ابولفضل، (۱۳۹۷)، اولویت‌بندی تهدیدهای امنیت پایدار در مرزهای جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: استان خراسان رضوی)، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۳-۴۱.
- پیری، فاطمه و فیروزی، محمدعلی، (۱۳۹۹)، تأثیر مرزها بر امنیت پایدار مناطق مرزی با تأکید بر رویکرد توسعه اقتصادی (مورد مطالعه: شهر آبادان)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۷۷-۱۰۰.
- جلالیان، اسحاق و ویسیان، محمد، (۱۳۹۷)، بررسی امنیت پایدار در شهر مرزی سردشت از دیدگاه کارشناسان امنیتی، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۲۷.
- حاجی حسینی، سمیرا، مطیعی‌لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی و دربان آستانه، علیرضا، (۱۳۹۸)، تحلیل فضایی دارایی‌های معیشتی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بوئین زهرا)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۱، شماره ۳، صص ۷۱۴-۶۹۳.
- حیدری‌فر، رئوف و رضایی، ناصر، (۱۳۹۶)، ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تأکید بر امنیت زیست محیطی)، دو فصلنامه حقوق محیط زیست، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۹-۳۸.
- حیدری، وحید و جمشیدی، ابرهیم، (۱۳۹۵)، بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال ۵، شماره ۲۱، صص ۲۳۱-۱۹۹.
- خلیجی، محمدعلی و صادقی، علی، (۱۳۹۹)، ارزیابی احساس امنیت شهری با رویکرد پایدار ملی (مورد مطالعه: استان کردستان)، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۷۰.

- دربان آستانه، علیرضا، مطیعی لنگرودی، سیدحسن و قاسمی، فرزانه، (۱۳۹۷)، تحلیل فضایی سرمایه‌های معیشتی کشاورزان: مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان شازند، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۴، صص ۴۷-۶۷.
- رحیمی‌زنوز، فرزین، (۱۳۹۷)، امنیت پایدار: درکی نوین از مفهوم امنیت، روزنامه اعتماد، شماره ۴۱۳۹.
- رضازاده، زهره، شاری، مفید و راستی، عمران، (۱۳۹۳)، اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تامین امنیت پایدار مناطق مرزی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، سال نهم، شماره ۱، صص ۴۹-۶۱.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا، موسوی، محمد، پورطاهری، مهدی، (۱۳۹۳)، تحلیل نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری خانوارهای روستایی در شرایط خشکسالی (مطالعه موردی: مناطق در معرض خشکسالی استان اصفهان)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۶۳۹-۶۶۲.
- زرقانی، سیدهادی، قاسمی، مریم و نسیمی، زهرا، (۱۳۹۷)، بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تامین امنیت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان درگز)، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- زنگی آبادی، علی، (۱۳۹۳)، تحلیل ناپایداری‌های امنیتی در شهر شیراز براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، دوازدهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران با محوریت آمایش سرزمین، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله و صادق‌قلو طاهره، (۱۳۹۲)، اولویت‌بندی راهبردهای توسعه معیشت پایدار روستایی با مدل ترکیبی سوات-تاپسیس (مطالعه موردی: شهرستان خدابنده)، فصلنامه روستا و توسعه، (۲)۱۶، صص ۸۵-۱۱۰.
- سجاسی قیداری، حمدالله، صادق‌قلو، طاهره و شکوری فرد، اسماعیل، (۱۳۹۵)، سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۲۱۵-۱۹۷.
- شکوری، علی، بهرامی، شقایق، (۱۳۹۴)، مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه‌نو و کلین شهرستان ری، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- علائی، حسین، (۱۳۹۱)، امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱-۳۴.
- قاسمی، مریم، گلثومیان، حمیدرضا و مینایی، حسین، (۱۳۹۸)، شکاف‌های توسعه‌ای، مانعی در تحقق امنیت پایدار در نواحی مرزی (نمونه موردی: شهرستان مرزی تایباد)، دوره ۳، شماره ۶، صص ۶۳-۷۸.
- قیصری، نورالله و حسینی، مهدی، (۱۳۹۲)، ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار: مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۷-۲۸.
- کاویانی راد، مراد، (۱۳۹۰)، امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپولیتیک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۲۳، صص ۱۰۶-۸۵.
- گزارش سیمای بیکاری استان کردستان، (۱۳۹۷)، منتشر شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ استان کردستان.
- مختاری هشی، حسین؛ وزین، نرگس و قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۹۶)، بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیا و سرزمین، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۴۳-۶۰.
- مرادی، ناهید، (۱۳۹۱)، شهرهای مرزی و مسائل امنیتی و انتظامی آنها، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان.
- میر، علی؛ میر، سعید و خلیل‌زاده، معصومه (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در احساس امنیت (مورد مطالعه: استان لرستان)، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۶۰۳-۵۸۵.
- نادری مهدبی، کریم، سپهوند، فاطمه و غلامرضایی، سعید، (۱۳۹۸)، بررسی دارایی‌های معیشتی بر مشارکت کشاورزان در مدیریت منابع آب کشاورزی (مورد مطالعه: تشکل‌های آب بران استان لرستان)، فصلنامه توسعه محلی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۱۲۵-۱۴۶.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۱)، معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت، نشریه راهبرد، دوره ۴، شماره ۲۶، صص ۱۲۸-۱۱۲.
- هامانه، راضیه، افشانی، علیرضا و عسکری، عباس، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت در شهر یزد، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۱۱۰-۸۳.
- Ayuttacorn, Arratee., 2019, Social networks and the resilient livelihood strategies of Dara-ang women in Chiang Mai, Thailand, Geoforum, 10, 28-37.

- Biswas, N. R., 2011, **Is the environment a security threat?** environmental security beyond securitization. international affairs review, Vol. 20, No. 1, pp1-22.
- Brauch, H. G., 2015, **Security Threats, Challenges, Vulnerability and Risks**, International security, peace. development and environment, Vol. I, Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS). <https://www.eolss.net/sample-chapters/c14/E1-39B-02.pdf>
- Brown, O., 2005, **The Environment and our Security How our understanding of the links has changed.** A contribution to the International Conference on Environment, Peace and Dialogue among Civilizations Tehran, Iran, May 9–10, Published by the International Institute for Sustainable Development.
- Chandler, D., 2007, **The security–development nexus and the rise of ‘anti foreign policy,** Journal of International Relations and Development, No.4, Vol,10, pp 362-386.
- Huang, X., Huang, X., Hea, Y., Yang, X., 2017, **Assessment of livelihood vulnerability of land-lost farmers in urban fringes: A case study :Xi'an, China.** Habitat International. 59(40). pp 1-9.
- Khagram, S., Clark, W., & Firas., R. D., 2003, **From the environment and human security to sustainable security and development.** Journal of Human Development. Vol. 4, No.2, pp289-313.
- Maas, L. T., Sirojuzilam, E., & Badaruddin., 2015, **The effect of social capital on governance and sustainable livelihood of coastal city community medan.** Procedia - Social and Behavioral Sciences, 211, 718–722. Media, Vol. 2, No. 6, pp. 11-25.
- Mesjasz, C., 2004, **Security as an analytical concept.** Paper presented at the 5th Pan-European conference on International Relations, in The Hague, Cracow University of Economics Cracow, Poland.
- Morse, S., & Nora, M.N., 2013, **The Theory Behind the Sustainable Livelihood Approach.** In: Sustainable Livelihood Approach. Springer, Dordrecht Publisher: Springer Netherlands.
- Mphande, F., 2016, **Infectious Diseases and Rural Livelihood in Developing Countries,** Springer Science+ Business.
- Nasrnia, Fatemeh., Ashktorab, Niloofar., 2021, **Sustainable livelihood framework-based assessment of drought resilience patterns of rural households of Bakhtegan basin, Iran,** Ecological Indicators, 128, 1-13.
- Richard, J., & Basu Ray, D., 2007, **Human Security: National Perspectives and Global Agendas.** Journal of International Development. No.4, Vol,19, pp457-472 1.
- Yong-qin, DONG., Lin-xiu, ZHANG., Cheng-fang, LIU., 2021, **Off-farm employment and poverty alleviation in rural China,** Journal of Integrative Agriculture, 20(4): 943–952.